

# اخلاق

۴۵

هفته نامه اخلاقی خلق کریم

حوزه علمیه آیت الله حق شناس علیها السلام

(امین الدوله - فیلسوف الدوله)

حوزه علمیه مجازی اخلاق

امام خمینی علیه السلام: در راس همه امور تهذیب نفس است.حوزه علمیه مجازی اخلاق  
آیت الله حق شناس

## رهبر کبیر انقلاب علیه السلام

### تمام حقیقت انسان



تمام ابعادی که برای زن متصور است و برای یک انسان متصور است، در فاطمه زهرا علیها السلام جلوه کرده و بوده است. یک زن معمولی نبوده است؛ یک زن روحانی، یک زن ملکوتی، یک انسان به تمام معنای انسان، تمام نسخه انسانیت، تمام حقیقت زن، تمام حقیقت انسان در ایشان جمع بود. او زن معمولی نیست؛ او موجود ملکوتی است که در عالم به صورت انسان ظاهر شده است؛ بلکه موجود الهی جبروتی در صورت یک زن ظاهر شده است. تمام هویت‌های کمالی که در انسان متصور است و در زن تصور دارد - تمام - در این زن است. زنی که تمام خاصه‌های انبیا در اوست. زنی که اگر مرد بود، نبی بود؛ زنی که اگر مرد بود، به جای رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بود. معنویات، جلوه‌های ملکوتی، جلوه‌های الهی، جلوه‌های جبروتی، جلوه‌های ملکی و ناسوتی - همه - در این موجود مجتمع است. انسانی است به تمام معنا انسان؛ زنی است به تمام معنا زن. از برای زن ابعاد مختلفه است؛ چنانچه برای مرد و برای انسان. این صورت طبیعی، نازل ترین مرتبه انسان است و نازل ترین مرتبه زن است و نازل ترین مرتبه مرد است؛ لکن از همین مرتبه نازل، حرکت به سوی کمال است. انسان، موجود متحرک است؛ از مرتبه طبیعت تا مرتبه غیب، تا فنا در الوهیت. برای صدیقه طاهره علیها السلام این مسائل، این معانی حاصل است. از مرتبه طبیعت شروع کرده است، حرکت کرده است؛ حرکت معنوی؛ با قدرت الهی، با دست غیبی، با تربیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم؟ صل مراحل را طی کرده است تا رسیده است به مرتبه‌ای که دست همه از او کوتاه است.

### شرافت حقیقی

انسان گمان می‌کند سعادتش به این است که چند تا باغ داشته باشد، چند تا ده داشته باشد، در بانک‌ها سرمایه داشته باشد و در تجارت چه باشد. شاید انسان این گمان را می‌کند، لکن ما وقتی که ملاحظه می‌کنیم و سعادت‌ها را سنجش می‌کنیم، می‌بینیم که سعادت‌مندها آن‌هایی بودند که در کوخ‌ها بودند. آن‌هایی که در کاخ‌ها هستند سعادت‌مند نیستند. آن مقداری که برکات از کوخ‌ها در دنیا منتشر شده است، هیچ در کاخ‌ها پیدا نمی‌شود. ما یک کوخ چهار، پنج نفری در صدر اسلام داشتیم و آن کوخ فاطمه زهرا علیها السلام است. از این کوخ‌ها هم محقرتر بوده، لکن برکات این چی است؟ برکات این کوخ چند نفری آن قدر است که عالم را پر کرده است از نورانیت، و بسیار راه دارد تا انسان به آن برکات برسد.



حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام) فرمودند:  
به راستی که فاطمه صدیقه شهیده است

قال الإمام موسى بن جعفر الكاظم (عليه السلام)  
إن فاطمة صدیقه شهیده

## وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا

(آیه ۸ سوره مبارکه انسان)

سپس به ذکر سومین عمل شایسته آن‌ها پرداخته، می‌گوید: آن‌ها غذای خود را در عین اینکه به آن نیازمندند و دوست دارند به مسکین و یتیم و اسیر می‌دهند (وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا) اطعام کردن آن‌ها ساده نیست، بلکه توأم با ایثار در هنگام نیاز شدید است، و از سوی دیگر اطعامی است گسترده که انواع نیازمندان را از مسکین و یتیم و اسیر شامل می‌شود، و به این ترتیب رحمتشان عام و خدمتشان گسترده است. ضمیر در عَلَى حُبِّهِ به طعام باز می‌گردد، یعنی در عین اینکه علاقه به طعام دارند آن را انفاق می‌کنند، و به این ترتیب شبیه چیزی است که در آیه ۹۲ سوره آل عمران آمده است: لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ؛ هرگز به حقیقت نیکوکاری نمی‌رسید تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید. بعضی نیز گفته‌اند ضمیر مزبور به الله بر می‌گردد که در آیات گذشته آمده، یعنی آن‌ها به عشق پروردگار اطعام طعام می‌کنند؛ ولی با توجه به اینکه این مطلب در آیه بعد می‌آید معنی اول صحیح‌تر به نظر می‌رسد. معنی مسکین و یتیم و اسیر روشن است، اما در اینکه این اسیر اشاره به کدام اسیر است در میان مفسران گفتگو است. بسیاری گفته‌اند منظور اسیرانی است که از مشرکان و کفار می‌گرفتند، و به قلمرو حکومت اسلامی در مدینه می‌آوردند، بعضی احتمال داده‌اند که منظور از آن بردگانی است که اسیر دست مالک خود می‌باشند و بعضی آن را به زندانیان تفسیر کرده‌اند؛ ولی تفسیر اول از همه مناسب‌تر و مشهورتر است. در اینجا این سؤال پیش می‌آید که مطابق شأن نزول که مرد اسیر بر در خانه علی علیه السلام به هنگام افطار آمد، مگر اسیران زندانی نبودند؟ اما با توجه به یک نکته پاسخ این سؤال روشن می‌شود که طبق نقل تواریخ در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مطلقاً زندانی وجود نداشت و حضرت اسیران را تقسیم کرده و به دست مسلمانان می‌سپرد و می‌فرمود مراقب آن‌ها باشید و به آن‌ها نیکی کنید و گاه که توانایی بر تأمین غذای آن‌ها نداشتند، از دیگر مسلمانان برای اطعام اسیران کمک می‌گرفتند، و آن‌ها را همراه خود و یا حتی بدون همراهی خود به سراغ سایر مسلمانان می‌فرستادند تا به آن‌ها کمک کنند؛ زیرا در آن موقع مسلمین سخت در مضیقه بودند. البته بعداً که حکومت اسلامی گسترش پیدا کرد و تعداد اسیران بالا گرفت و حتی مجرمان با گسترش دامنه حکومت زیاد شدند، زندان به وجود آمد، و ارتزاق اسیران و مجرمان از طریق بیت‌المال صورت می‌گرفت. به هر حال از آیه فوق به خوبی استفاده می‌شود که یکی از بهترین اعمال، اطعام محرومان و نیازمندان است. نه تنها نیازمندان مسلمان که اسیران بلاد شرک نیز تحت پوشش این دستور اسلامی قرار گرفته، تا آنجا که اطعام آن‌ها یکی از کارهای برجسته ابرار شمرده شده است. در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌خوانیم: استوصوا بالأسیری خیراً و کان احدهم یؤثر اسیره بطعامه؛ با اسیران به نیکی رفتار کنید، مسلمانان هنگامی که این سخن را شنیدند گاه غذای خود را به اسیر داده و او را بر خویشان مقدم می‌شمردند.

تفسیر نمونه، جلد ۲۵ صفحه ۳۵۲

این کوخ نشینان در کوخ محقر، در ناحیه معنویات، آن قدر در مرتبه بالا بودند که دست ملکوتی‌ها هم به آن نمی‌رسد؛ در جنبه‌های تربیتی آن قدر بوده است که هرچه انسان می‌بیند برکات در بلاد [سرزمین‌های] مسلمین هست و خصوصاً در مثل بلاد امثال ما، این‌ها از برکت آن هاست. خود رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که در رأس همه واقع است، زندگی کوخ نشینی داشته است.

صحیفه امام جلد ۷ صفحه ۳۳۸ و جلد ۱۷ صفحه ۳۷۴

### رهنبر معظم انقلاب رحمته علیه



شخصیت زهرای اطهر عَلَيْهَا السَّلَام در ابعاد سیاسی و اجتماعی و جهادی، یک شخصیت ممتاز و برجسته‌ای است؛ به طوری که همه‌ی زنان مبارز و انقلابی و برجسته و سیاسی عالم می‌توانند درس بگیرند از زندگی کوتاه و پرمغز آن زنی که در بیت انقلاب متولد شد و تمام دوران کودکی را در آغوش پدری گذراند که در حال یک مبارزه‌ی عظیم جهانی فراموش نشدنی بود؛ آن خانمی که در دوران کودکی، سختی‌های مبارزه‌ی دوران مگه را چشید، به شعب ابی‌طالب برده شد، گرسنگی و سختی و رعب و انواع و اقسام شدت‌های دوران مبارزه‌ی مگه را لمس کرد و بعد هم که به مدینه هجرت کردند، همسر مردی شد که تمام زندگی‌اش جهاد فی سبیل الله بود و در تمام تقریباً ده سال - قریب یازده سال - زندگی مشترک فاطمه‌ی زهرا و امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام هیچ سالی، بلکه هیچ نیم سالی نگذشت که این شوهر، کمر به جهاد فی سبیل الله بسته باشد، به میدان جنگ نرفته باشد و این زن بزرگ و فداکار، همسری شایسته‌ی یک مرد مجاهد و یک سرباز و سردار دائمی میدان جنگ را نکرده باشد. پس زندگی فاطمه‌ی زهرا عَلَيْهَا السَّلَام اگرچه کوتاه بود، اگرچه حدود بیست سال - اندکی کمتر یا اندکی بیشتر - زندگی او بیشتر طول نکشید، اما این زندگی از جهت جهاد و مبارزه و تلاش و کار انقلابی و صبر انقلابی و درس و فراگیری و آموزش به این و آن و سخنرانی و دفاع از نبوت و دفاع از امامت و دفاع از نظام اسلامی، یک دریای پهناوری از تلاش و مبارزه و کار است؛ و در نهایت هم شهادت. این، زندگی جهادی فاطمه‌ی زهرا عَلَيْهَا السَّلَام است که بسیار عظیم و فوق‌العاده و حقیقتاً بی‌نظیر است و یقیناً در ذهن بشر - چه امروز و چه آینده - یک نقطه‌ی درخشان و استثنائی است. اما مقام معنوی این بزرگوار نسبت به مقام جهادی و انقلابی و اجتماعی او، باز به مراتب بالاتر است. فاطمه‌ی زهرا عَلَيْهَا السَّلَام به صورت یک بشر و یک زن، آن هم زنی جوان است؛ اما در معنا، یک حقیقت عظیم، یک نور درخشان الهی، یک بنده‌ی صالح، یک انسان ممتاز و برگزیده است؛ آن کسی است که رسول اکرم به امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: **يَا عَلِيُّ أَنْتَ قَائِدُ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى الْجَنَّةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ فَاطِمَةُ تَقُودُ الْمُؤْمِنَاتِ إِلَى الْجَنَّةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ**. یعنی در روز قیامت، امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام، مؤمنین و مردان مؤمن را به سوی بهشت هدایت می‌کند و فاطمه‌ی زهرا عَلَيْهَا السَّلَام، زنان مؤمنه را به بهشت الهی راهنمایی می‌کند؛ عدل امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام، هم پایه و هم سنگ امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام آن کسی است که وقتی در محراب عبادت می‌ایستاد، هزاران فرشته‌ی مقرب خدا به او خطاب می‌کردند، به او سلام می‌کردند، به او تهنیت می‌گفتند و همان سخنی را می‌گفتند که فرشتگان قبلاً به مریم اطهر گفته بودند؛ عرض می‌کردند: **يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ**؛ این، مقام معنوی فاطمه‌ی زهرا عَلَيْهَا السَّلَام است. زنی، آن هم در سنین جوانی، از لحاظ مقام معنوی به جایی می‌رسد

که بنا بر آنچه در بعضی از روایات هست، فرشتگان با او سخن می‌گویند و حقایق را به او می‌آموزند و ارائه می‌دهند. محدثه است؛ یعنی کسی است که فرشتگان با او حدیث می‌کنند و حرف می‌زنند. این مقام معنوی، این میدان وسیع، این قلله‌ی رفیع، در مقابل همه‌ی زن‌های آفرینش و عالم است. فاطمه‌ی زهرا عَلَيْهَا السَّلَام در قلله‌ی این بلندای عظیم ایستاده و به همه‌ی زنان عالم خطاب می‌کند و آن‌ها را به پیمودن این راه دعوت می‌کند. آن‌هایی که در طول تاریخ - چه در جاهلیت قدیم، چه در جاهلیت قرن بیستم - سعی کرده‌اند که زن را تحقیر کنند، کوچک کنند، او را دلبسته‌ی به همین زخارف و زینت‌های ظاهری معرفی کنند، زن را پابند مد و لباس و آرایش و طلا و زیورات کنند، زن را وسیله و دست‌مایه‌ی برای خوش‌گذرانی‌های زندگی و انمود کنند و عملاً در این راه قدم بردارند، منطق آن‌ها منطقی است که مثل برف و مثل یخ، در مقابل گرمای خورشید مقام معنوی فاطمه‌ی زهرا عَلَيْهَا السَّلَام ذوب می‌شود و از بین می‌رود.

اسلام، فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام را - آن عنصر برجسته و ممتاز ملکوتی را - به عنوان نمونه و اسوه‌ی زن معرفی می‌کند. آن زندگی ظاهری او، جهاد او، مبارزه‌ی او، دانش او، سخنوری او، فداکاری او، شوهرداری او، مادری او، همسری او، مهاجرت او، حضور او در همه‌ی میدان‌های سیاسی و نظامی و انقلابی و برجستگی همه‌جانبه‌ی او که مردهای بزرگ را در مقابل او به خضوع و ادبار می‌کرد؛ این هم مقام معنوی او، رکوع او، سجود او، محراب عبادت او، دعای او، صحیفه‌ی او، تضرع او، ذات ملکوتی او، درخشندگی عنصر معنوی او و خلاصه هم‌پایه و هم‌وزن و هم‌سنگ امیرالمؤمنین و پیغمبر عَلَيْهِ السَّلَام بودن او است؛ زن، این است؛ الگوی زنی که اسلام می‌خواهد بسازد این است. بیانات در دیدار جمعی از بانوان سراسر کشور ۱۳۶۸/۱۰/۲۶

### آیت الله حق شناس رحمته علیه

### بررسی نشانه‌ی ولایت اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام

در روایتی امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: «وَمَنْ كَانَ لِلَّهِ عَاصِيًا فَهُوَ لَنَا عَدُوًّا وَمَا تَنَالُوا وَلَا تَنَالُوا إِلَّا بِالْعَمَلِ وَالْوَزْعِ»؛ کسی که معصیت کار خدا باشد و فرمایش‌های ما اهل بیت را عمل نکند، دشمن آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَام است و ولایت ما جز با عمل و ورع به دست نمی‌آید.

### اذیت پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و دم زدن از ولایت؟! فرمود: «وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ...»

اعمال شما به رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عرضه می‌شود. اگر شما مرتکب گناه شده باشید، وجود مبارکشان اذیت می‌شود. در جایی که حضرت یحیی عَلَيْهِ السَّلَام را سر بریدند و زکریا عَلَيْهِ السَّلَام را اژه کردند؛ مع ذلک پیامبر عظیم الشان اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: هیچ پیغمبری به اندازه‌ی من اذیت نشد؛ بس که روح ایشان بزرگ و لطیف است. امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام هم جان پیغمبر است؛ «هَا عَلِيُّ بَشَّرَ كَيْفَ بَشَّرَ؟» انسان ارضی سماوی است؛ کسی که از عقب و جلو می‌بیند، کسی است که هر وقت اراده کند، هرچه بخواهد می‌داند. عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! ما شما را دوست داریم. فرمود: من اسم شما را در میان دوستانم ندیدم. «مَنْ كَانَ لِلَّهِ مُطِيعًا، فَهُوَ لَنَا وَلِيًّا»؛ هر کس مطیع خدا باشد، ولی ما محسوب می‌شود.

### اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام، نعمتی که از آن سؤال می‌شود

یاد خدا و پیامبر، یاد کردن از نعمت‌هایی است که در قیامت از آن‌ها مورد سؤال واقع خواهیم شد. منظور از: «ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ»؛ این نیست که در روز قیامت می‌پرسند: چه خوردی و چه پوشیدی! منظور از نعمت، ولایت اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام است! می‌گویند: چقدر از امامت اطاعت کردی؟ نعمت، نعمت هدایت است.

امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرمود: ای مردم شما حقی بر گردن من دارید و من هم حقی بر گردن شما دارم؛ حقی که شما بر من دارید این است که معالم دینتان را به شما بگویم و قضایا و مشکلات دینی‌تان را بشکافم؛ اما حقی که من بر گردن شما دارم این است که شما در مقام عمل از من و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام اطاعت کنید و به ما عرفان پیدا کنید.

### دلیل به جهنم رفتن!

فوج فوج، مجرمان را به جهنم می‌ریزند. خزنه و مأموران جهنم از این‌ها سؤال می‌کنند: آیا برای شما پیامبری نیامد؟ ترساننده‌ای نیامد که شما را از امروز بترساند و با خبر کند؟ آن‌ها می‌گویند: بله آمد! اما ما گفتیم که شما حجتی ندارید، دلیلی ندارید؛ و رسول را تکذیب کردیم. «وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ»؛ اگر ما سخن پیامبران و مواظب آن‌ها را می‌پذیرفتیم و با تعقل و تفکر درستی آن‌را می‌فهمیدیم، از اهل جهنم نبودیم.

### ضرورت مجاهده

می‌فرمایند: «لَا تَكُنْ وَلِيًّا فِي الْعَلَانِيَةِ» مبادا در ظاهر ولی خدا باشی، «وَعَدُوًّا لَهُ فِي السِّرِّ»؛ در نظر مردم عبادت‌کنی و ظواهر خوبی داشته باشی؛ اما در باطن دشمن خدا باشی؛ رفتار و سیر دشمنی نسبت به پروردگار داشته باشی.

فرمودند: «صَبْرٌ عَلَى مَا تَكْرَهُ»؛ در آن چیزی که پروردگار، تو را ملزم فرموده است و برخلاف نفس است، باید صبر کنی. نفس انسان تکلیف را نمی‌خواهد، نمی‌خواهد زیر بار تکلیف برود. همه‌اش راحتی را دوست دارد؛ دلش می‌خواهد دراز کش باشد و هر تکلیفی برخلاف میل اوست. باید برخلاف طبع خودش راه برود. مسیر حق، خلاف خواسته‌های نفس است، پس باید در این مسیر استقامت کند.

حضرت می‌فرماید: صبر کن بر آنچه که نفس می‌خواهد و دوست دارد، برخلاف آن مشی کن که این، نظر اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام است.

### واجب‌ترین مجاهده

از حضرت پرسیدند: یا بن رسول الله! مجاهده با کدام دشمنان از همه برای ما واجب است که با او مبارزه کنیم؟ حضرت فرمود: «همان که نزدیک توست؛ همان که درون خود توست!» «أَخْفَاهُمْ لَكَ شَخْصًا» پیش خودت است داداش جان!

### «خروج از خانه‌ی تاریک نفس» اولین قدم

عرض شد که اول شرط بندگی، عبودیت و سیر الی الله، یعنی بسم الله این کار، خروج از بیت مظلم نفس است. نفس، تاریک و تیره است و علت اینکه پروردگار نفس ناطقه‌ی نوریه را از عالم آورده و در این بدن کثیف ظلمانی جا داده، برای این است که بدن هم منور شود. پس اول شرط تحقق سیر الی الله و بسم الله الرحمن الرحیم این سفر، همین است؛

اگر مردی برون‌آی و سفر کن

هر آنچه پیشت آید، زان گذر کن

خب، از چه چیزی برون بیاییم؟! از امیال نفسانی، از خودخواهی، از توجه به مقام کثرت؛

من نمی‌گویم که عاقل باش یا دیوانه باش. گرسر تحقیق داری، موبه مو جوینده باش، از جهان بیگانه باش؛ ویرانه باش و مشغول صاحب خانه باش! چون وقتی که به دیوار این خانه، نقش «الله» منتقش شد، اگر خانه هم ویرانه شود، آن نقش می‌ماند. عارفی گفته است:

نقش کردم رخ زیبای تو بر خانه‌ی دل

خانه ویران شد و آن نقش به دیوار بماند

### بعد از ترک نفس می‌فهمی باید چه کار کنی

کسی که سفر الی الله می‌کند، اول باید نفسش را مهار و امیال نفسانی‌اش را کنترل کند؛ بعداً وقتی از خودیتش به سوی حق، سفر کرد، می‌فهمد چه برنامه‌ای را باید پیاده کند و دیگر لازم نیست که از کسی بپرسد؛ ولی شما باید بپرسید. من هم به هر کدامتان باید بگویم که چه کار کنید! چطور وقتی می‌روید سر کلاس درس، استاد مثلاً می‌گوید: پاهای و دست‌های این شتر اهرم است. بازوی مقاومت دارد، بازوی قدرت دارد، نقطه‌ی اتکا دارد. دانش آموزی که امروز از کلاس غایب بوده پرس و جو می‌کند که خب، امروز در کلاس چه صحبت‌هایی شد که مثلاً شتر از اقسام اهرم هاست؛ کدام قسم اهرم است؟ چطور آن را سؤال می‌کنی تا در نمایی؟ این را هم باید سؤال کنی آقا جان من! چون ما می‌خواهیم سفر الی الله کنیم.

استاد جاودان



سرتاسر مدت کوتاهی که دختر پیامبر بعد از پدر زنده بود، به مبارزه با دولت حاکم و مقابله با اعمال خصمانه آن‌ها گذشت. آن حضرت در این مدت همه چیز را به وسیله‌ای برای مقابله با حکومت تبدیل کرده بود. گاهی فریاد می‌زد و گاهی خطبه می‌خواند، یک روز اعلام برائت می‌نمود و روز دگر از پذیرفتن ملاقات حاکمان خودداری می‌کرد و حتی وصیت کرده بود که غاصبان به تشییع جنازه او نیایند و بر جسدش نماز نخواند و سرانجام با دستور پنهان ساختن قبرش یک نشان ماندگار از عدم مشروعیت را بر جبین آن حکومت نقش کرد. این روی واقعی تاریخ است. البته ما در تمام این زمینه‌ها به طور جدی با کمبود منابع و ابهام آنچه در دسترس است روبه رو هستیم. اگر به تاریخ آن دوران از منظر مورخان رسمی نگاه کنیم دورانی نسبتاً آرام گزارش شده است و مورخان و محدثان توانسته‌اند با پنهان کاری درگیری‌های جدی و بحران‌های عمیق آن اثر را مخفی بدارند و این روی دیگر تاریخ است.

اما با جستجو نشانه‌ها و علاماتی در گوشه و کنار اسناد و مدارک خواهیم یافت که با تنظیم و ترکیب آن‌ها می‌توانیم از عمق این بحران به شدت درگیری که در یک طرف دولت حاکم با تمام قدرت و در طرف دیگر خاندان نوبت بود بیشتر بدانیم. در جریان این مقابله دیدیم که اولین بار این بیت نوبت بود که مورد هجوم مأموران نظام حاکم قرار گرفت. آن‌ها می‌خواستند امیرالمومنین علی علیه السلام را به مسجد ببرند تا از ایشان به عنوان اصل و اساس خاندان نوبت بگیرند و با این کار بزرگ‌ترین مخالفان حکومت جدید را به تسلیم وادار می‌نمایند. این اقدامات اولین عملی بود که آن دولت بعد از اینکه حکومت را به چنگ آورده بود انجام داد و در انجام آن بسیار جدی بود و سرانجام آن می‌توانست بسیار خطرناک باشد و عواقب ناگواری به بار آورد. بنابراین کاری که دختر پیامبر در مقابل آن انجام داد، کاری بزرگ بود و همان عمل باعث شد که امیرالمومنین علیه السلام بیعت نکرده و به سلامت به خانه باز گردد و به این ترتیب اولین اقدام دولت خلفا با مقابله دختر پیامبر به شکست منتهی شد.

داستان فدک

دختر پیامبر به دنبال اخذ اموال خاص خودش یعنی سرزمین فدک به خلیفه مراجعه کرد. آیا حکومت تازه را قبول داشت که برای دادخواهی به آن مراجعه کرده بود یا او می‌خواست اثبات کند این زمین‌ها مال شخصی اوست. همه قواعد و قوانین هم به نفع او بود. مالی در اختیار داشت و وکلای او در آن زمین‌ها تصرف داشتند. اگر کسی علیه این ملکیت ادعایی داشت او باید شاهد می‌آورد و در فقه اسلام ید نشانه مالکیت است. پس اگر کسی تصرفی بر مالی دارد یعنی مال در تصرف اوست دیگر از او شاهد طلب نمی‌کنند و صرف تصرف مالکانه دلیل کافی و مالکیت خواهد بود؛ اما معمور آن دولت به فدک حمله برده و وکلای ایشان را از آنجا بیرون رانده بودند. برابر این دختر به

اعتراض نزد خلیفه رفته بود که این زمین مال من است و پدرم این زمین این که خالصه‌ای او بود را به من بخشیده است، همان‌طور که بخشی از زمین‌های خالصه بنین نظیر را به کسانی از اصحاب خود بخشیده بود. خلیفه که هم مدعی بود و هم قاضی در هر صورت شاهد طلب کرد. در یک خانواده اگر پدری به فرزندش چیزی می‌بخشد آیا لازم است چند نفر شاهد باشند؟ چگونه ممکن است از کسی مثل دختر پیامبر با وجود آیه تطهیر شاهد طلب کرد! طبق یک نقل امیرالمومنین علی علیه السلام به شهادت آمد اما ابوبکر شاهد دیگری هم طلبید. امل ایمین دایه رسول خدا نیز شهادت داد. ابوبکر گفت: آیا با شهادت یک مرد و یک زن خود را صاحب حق میدانی؟...

استاد تحریری



فاطمه علیها السلام شخصیتی است که به تمام معنا تحت ولایت الهی و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است، یعنی از جهت معنوی همان جایگاه بلند معنوی را دارد که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دارد، اما مقام رسالت و نبوت و امامت را ندارد، اما آن حقیقت را دارد؛ لذا در روایت نقل شده است «و هي الصديقة الكبرى و علی معرفتها دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى» و او صدیقه کبری است و بر محور معرفت او تاریخ شکل گرفت، انبیاء گذشته اگر بخواهند به آن مقامی که شایسته ایشان است برسند، باید معرفت به مقام نورانیت زهرا علیها السلام داشته باشند. حضرت در مقام عبادت به گونه‌ای بودند که آنگاه که در مقام عبادت قرار می‌گرفتند، آثار نورانیت عبادت ایشان به ملائکه هم سرایت داده می‌شد و خدا به عبادت آن حضرت بر ملائکه مباحثات می‌کرد. از جهت ایثار در امور مادی، در نهایت قله‌های ایثار قرار داشتند، تا جایی که چند روز گرسنه بودند و برای رسیدگی به ایتام، امور ضروری خود را انفاق می‌کردند و در شأن ایشان سوره «هل اتی» نازل شد. یکی از شاخص‌های حضرت، مقام دفاع از ولایت و امامت است، یعنی آنچه را که خدای متعال از دین حق آورده است از طریق پدر و فرزندان او با تمام وجود از آن دفاع می‌کند، هم ولایت را پذیرفته است و هم از آن دفاع می‌کند، خدای متعال آن حضرت را از نور خودش آفرید، قبل از خلقت آدم و حقیقت خلقت نوری این است که حتی این بزرگواران در آن مرتبه از وجود واسطه خلقت نوری ملائکه هم هستند «ثُمَّ عَزَّضْتُ وَلايَتَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَمَنْ قَبْلَهَا كَانَ عَنِي مِنَ الْمُفَرِّقِينَ»؛ من ولایت ایشان را بر ملائکه و سایر خلقم عرضه داشتم.

آن حضرت کمالات گوناگونی را در این عالم دارا بوده‌اند که شاخصه‌اش کمالات علمی است. به مرتبه‌ای از آگاهی به حقایق رسیدند که به علی علیه السلام می‌گویند: آیا می‌خواهی علم ما کان و ما یکون و ما هو کائن را به تو بگویم. حسین بن عبدالوهاب در کتاب عیون المعجزات به نقل از سلمان روایت نموده است: عمار بن یاسر به من گفت: آیا می‌خواهی چیز عجیبی را برای تو نقل کنم؟ گفتم: نقل کن عمار! گفت: من شاهد بودم که روزی علی بن ابی طالب علیه السلام وارد خانه شد، هنگامی که چشمان فاطمه علیها السلام بر او افتاد، گفت: نزدیک بیا تا به تو بگویم در جهان هستی چه بوده، چه هست، و تا روز قیامت چه خواهد شد. عمار گفت: در این حال دیدم که علی علیه السلام بازگشت، پس من هم به دنبال او بازگشتم تا اینکه به حضور پیامبر رسید، پس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به او گفت: ای ابو الحسن! نزدیک‌تر بیا، پس علی علیه السلام نزدیک‌تر رفت و در کنار او نشست و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به وی فرمود: حال تو می‌گویی یا من بگویم؟ علی علیه السلام فرمود: شما بگویید بهتر است. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: مثل اینکه فاطمه به تو چنین و چنان گفته است و تو نزد من آمده‌ای تا در باره آن جويا شوی. علی علیه السلام پرسید: آیا نور فاطمه از نور من است؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: آیا تردید داری؟ البته که چنین است. و علی علیه السلام سجده شکر نموده و از حضور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خارج گردید و من نیز با او خارج شدم. پس از آن علی علیه السلام به خانه‌اش رفت و من نیز با او وارد خانه شدم و فاطمه علیها السلام به او گفت: مثل اینکه نزد پدرم رفته بودی تا آنچه را که به تو گفته بودم برایش نقل کنی؟ علی علیه السلام گفت: چنین است ای فاطمه! فاطمه علیها السلام گفت: ای ابو الحسن! بدان که خدای تعالی نور مرا - در عالم دُژ - خلق کرد و او بلا فاصله مشغول تسبیح خداوند گردید، سپس آن نور را به صورت درختی نورانی در بهشت درآورد، هنگامی

که پدرم در واقعه معراج داخل بهشت گردید خداوند تعالی به او وحی نمود تا از میوه‌های این درخت برگرفته و بخورد، و پدرم چنین کرد و بدین وسیله خداوند مرا در صلب پدرم قرار داد و سپس در بطن مادرم خدیجه دختر خویلد، و من از وی متولد شدم، پس من از آن نورم. بدان که نسبت به هر آنچه بوده، هست و خواهد بود عالم و آگاه هستم. ای ابو الحسن مگر نه آن است که مؤمن به وسیله نور خدا می‌بیند و نظاره می‌کند.

اسامی مختلف ائمه معصومین علیهم السلام خصوصاً فاطمه زهرا علیها السلام بیانگر چه حقیقتی هستند؟ اسامی نه گانه حضرت بیانگر کمالات وجودی آن حضرت است و هر یک از این کمالات با یک اسمی عنوان می‌شود و بعضی از این کمالات در قیامت ظهور پیدا می‌کند، معنای فاطمه به نوعی در قیامت تحقق پیدا می‌کند که خدا شیعیان ایشان را از ورود به جهنم ممنوع کرده است «سَمَّتْ ابْنَتِي فَاطِمَةَ - لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَطَمَهَا وَ فَطَمَ مَنْ أَحَبَّهَا مِنَ النَّارِ» این کمال، با این اسم ظهور می‌یابد. القاب و اسامی دیگر آن حضرت مانند «مبارکه» و «زهرا» و «بتول» هر یک کمالاتی جسمانی یا روحانی آن حضرت را بیان می‌کند.

استاد میرحاشم حسینی



تقریباً در وصیت‌نامه‌ها یا وصیت‌های حضرت زهرا علیها السلام ما سه قسم وصیت داریم، سه دسته وصیت داریم. دسته اول وصیت‌نامه‌های مالی حضرت زهرا علیها السلام است، دسته دوم وصیت‌های شفاهی حضرت زهرا علیها السلام است، دسته سوم وصیت‌نامه‌ی معرفتی، عقیدتی، سیاسی، اجتماعی، مربوط به زمان، مربوط به همه‌ی انسان‌ها می‌شود. در واقع این وصیت‌های وجود مبارک حضرت زهرا علیها السلام را می‌توان این سه دسته برایش بیان کرد. دسته اول می‌شود وصیت مکتوب مالی که ان‌شاءالله این جلسه محضر همه‌ی سروران یک اشاره‌ای به آن بکنیم. دسته دوم وصیت شفاهی است که باز هم وجود دارد و دسته سوم وصیت مکتوب غیر مالی می‌شود که در این دسته تقسیم بندی به آن می‌توان اشاره کرد. اما دسته اول که وصیت‌های مکتوب مالی حضرت زهرا علیها السلام است که آن جا بحث حق الناس، حق فقرا، بحث خیرات و امور خیریه خیلی تجلی دارد. در این وصیت‌ها آن را ان‌شاءالله اشاره برداری بکنیم. خود این وصیت‌ها هم وصیت‌های خیلی عجیبی است. حالا ان‌شاءالله که در همین سه دسته وصیتی که عرض کردیم دسته اول که وصیت مکتوب مالی است در آن جا خیلی وصیت‌های زیبایی است که حالا ان‌شاءالله در این جلسه اشاره می‌کنیم. مثلاً خیلی جالب است. حضرت در آن وصیت‌نامه می‌نویسند که «التَّائِبُونَ أَصْعَرَ جُنْدَبَ». بعد یک صندوقچه‌ی خیلی کوچکی یک گوشه‌ی خانه بوده است، یک سری لوازمی داخل آن بوده است. حضرت می‌فرماید که خیلی با دقت آن صندوقچه‌ی کوچک داخل خانه را می‌نویسند مکتوب. وصیت‌نامه او برای دختر جندب است. جندب در بعضی سریال‌ها و این‌ها هم گاهی اوقات درست توجه نشده است. یک جندبی داریم که همان جناب ابیدر غفاری است و جندب غیر از او هم است. این جا منظور دختر همان جناب ابیدر غفاری است که حضرت زهرا علیها السلام سفارش می‌فرماید که این صندوقچه‌ی کوچکی که اینجا است برای فلانی است. بعد حضرت می‌گوید فلان چیز، فلان چیز، همین‌طور شروع به اشاره کردن می‌کند. در زندگی مادر حضرت زهرا علیها السلام، زندگی کوتاهی بوده است. ولی عالمی را هدایت کرده است، به اوج رسانده است، نورانیتش در زمین و آسمان هست. این مهم است که آدم ببیند چطور می‌شود یک کسی سن ۱۸ و خرده‌ای سال بیشتر عمر نکرده است؛ ولی این همه منشأ خیر و برکت بشود. خیلی عجیب است. مثلاً یک موقع خیلی خوب است آدم مباحثه بکند چطور می‌شود یک کسی موقعی که سنش کم است فرزند است، نقش فرزند می‌شود ام ابیها. یعنی «رَحِمَتْ لِلْعَالَمِينَ، إِنَّكَ عَلَى خَلْقٍ عَظِيمٍ». آقا رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با آن عظمت نسبت به فاطمه زهرا علیها السلام می‌فرمایند ام ابیها. اصلاً رگ و ریشه‌ی اصلی پدر، گویا حافظ پدر، گویا مددکننده‌ی تمام عیار پدر. این خیلی عجیب است. یک کسی در زمانی که فرزند است در داخل خانه کنار پدر و مادرش است، بشود بهترین فرزند. خیلی جالب است این‌ها را آدم بباید کاربردی و عملیاتی‌اش بکند. خیلی اثر دارد در تربیت خانواده. یک شاه بیتی بالاخره بوده است. حضرت زهرا علیها السلام مدنظر داشته است، آن شاه بیت را آدم پیدا بکند، به مقدار در کمان، به مقداری که ما می‌توانیم بفهمیم را. بالاخره به آن مقداری که قابل درک برای ما است ان‌شاءالله می‌توانیم الگو قرار دهیم. یا موقعی که حضرت می‌آید همسر بشود بهترین همسر می‌شود و می‌شود کفو



مولا امیرالمومنین علیه السلام. همین وجود مبارک می شود (سیده نساء العالمین من الأولین و الآخین). بعد همین وجود مبارک در عین اینکه بهترین همسر است و بهترین مادر است، می شود مادر امام مجتبی علیه السلام، مادر سیدالشهدا علیه السلام، مادر زینب کبری علیه السلام. خیلی عجیب است. در عین حال عابدترین هم است. می شود چنین چیزی؟ چه نکته ای است. می دانید، گاهی اوقات ما می آییم مثلاً بهترین فرزند باشیم، بهترین همسر دیگر نیستیم. می آییم بهترین همسر بشویم، دیگر هوای بچه ها را نداریم. جناب حسین بن روح نایب خاص، می فرماید که این بنده ی خالص خدا، در تمام مراحل زندگی بود. این خیلی مهم است. بنده ی خالص خدا بودن در همه ی مراحل زندگی. ببینید آن بنده را هم دقت بکنیم، یعنی بنده ی جای مال و منال و جاه و ریاست نبود. به خاطر همین امکانات زیادی حضرت زهرا علیه السلام در اختیار دارد ولی از سطح جامعه بسیار پایین تری زندگی می کند. این خیلی مهم است.

## یادداشت ها و خروار

طلبه ارجمند محمد طاهر فتاحی

بسم الله الرحمن الرحيم  
انسية الحوراء علیه السلام

حضرت صدیقه طاهره علیه السلام، ام المومنین و مادر تمامی شیعیان، فرزند گران قدر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت خدیجه علیه السلام هستند که پنج سال پس از بعثت حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم روز بیستم جمادی الآخر جهان را باز به نور خویش منور کردند. در اوصاف ایشان، موراد متعددی آورده شده است. از اوصاف زمینی ایشان، می توان به فاطمه، مبارکه، زکویه، راضیه، مرضیه، محدثه، حصان، منصوره، مطهره، میمونه، حرّه، سیده، عذراء، مریم کبری و صدیقه کبری و از اسماء آسمانی شان می توان به نوریه و حانیه اشاره کرد. چگونگی و کیفیت شهادت این بانوی بزرگوار، در این مقال نمی گنجد؛ اما برای اطلاعات بیشتر، می توان به یادداشت «الاسناد الدقیقة فی الشهادة الصدیقة» نوشته شده در شماره ی پنجم نشریه ی لسان امین (تحت امتیاز حوزه ی علمیه ی آیت الله حق شناس ره (فیلسوف الدوله - امین الدوله)) مراجعه کرد که در آن یادداشت، علت اصلی شهادت و کیفیت واقعه مورد بحث قرار گرفته است. در این موطن، به چند نکته ی اخلاقی و روایی از حضرت زهرا علیه السلام می پردازیم.

ماجرای اول: حضرت صدیقه علیه السلام و نابینا

باسناده عن موسی بن جعفر علیه السلام، عن آبائه: قال: قال علی علیه السلام استاذن اعمی علی فاطمة علیه السلام. فحجبتة. فقال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم لها: لم حجبتیه وهو لایراک؟ قالت: ان لم یکن یرانی، فانی اراه وهو یشمّ الریح. فقال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: أشهد أنك بضعة منی. روزی از روزها فردی نابینا خدمت بانو فاطمه ی زهرا علیه السلام رسید و اجازه ی ورود خواست. حضرت علیه السلام خود را از ایشان پوشاندند و حجاب کردند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از ایشان پرسیدند: برای چه حجاب کردی در حالی که او تو را نمی بیند؟ حضرت علیه السلام عرض کردند: اگر او مرا نمی بیند، من که او را می بینم! و او بوی مرا استشمام می کند. حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: شهادت می دهم که تو پاره ای از تن منی.

ماجرای دوم: رکعت سوّم!

انّ خدیجة علیه السلام: کانت تصلی یوما فقصدت ان تسلّم فی الثالثة. فنادتها فاطمة علیه السلام من بطنها: قومی یا امّاه فانک فی الثالثة.

حضرت خدیجه بنت خویلد علیه السلام روزی در حال نماز خواندن بودند که در رکعت سوم خواستند سلام بدهند. حضرت خدیجه علیه السلام در آن ایام حامل حضرت زهرا سلام الله علیها بودند [حضرت فاطمه علیه السلام از داخل شکم به ایشان فرمودند: برخیز ای مادر جان! شما در رکعت سوم هستی.

## کلام مختصر

آقای رفیعی پور:

حضرت زهرا علیه السلام، علت خلقت آسمان و زمین، از مصادیق آیه ی تطهیر، فردی که توسط خداوند متعال مبری از هرگونه پلیدی و آلودگی نامیده شدند، توسط خلفای غاصب حق امیرالمومنین علیه السلام العیاذ بالله دروغگو خطاب شدند... این حرف و این غم بزرگ را باید به کجا برد...

# صدیقه - طاهره  
# مطهره

آقای افضلی:

عن ابی جعفر علیه السلام قال: ما عُبدَ اللهُ بشیءٍ من التّحمیدِ افضلَ من تسبیحِ فاطمة علیه السلام و لو کان شیءٌ لتخلّه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فاطمة علیه السلام

امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند به هیچ نوع ستایشی بالاتر از تسبیح فاطمه؟ عبادت نشده است و اگر چیزی بالاتر از این بود، حتماً پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آن را به فاطمه علیه السلام می آموخت.

# حضرت - فاطمه - زهرا  
# مظلومه

آقای تاج زاد:

سخت ترین روزها، روزهایی است که مادرت را از دست داده ای....

# یازهرا  
# مادرم

آقای داداشی:

فاطمه ی زهرا علیه السلام با همان وصیتی که کردند که شبانه دفن بشوند، پیروز شد و پیروز است.

# بهترین - اسوه  
# فدک

آقای تحریری:

در حدیث کساء وقتی حضرت جبرئیل می پرسند اینها چه کسانی هستند که تمام هستی را به خاطر آنها آفریدی؟ ذات اقدس اله نمی گویند محمد صلی الله علیه و آله و سلم علی علیه السلام، حسن علیه السلام یا حسین علیه السلام...

خداوند متعال می فرماید: فاطمه علیه السلام و پدرش، شوهرش و فرزندانش هستند؛ یعنی از یک زن برای معرفی بهترین مخلوقاتش استفاده می کند!

# یازهرا  
# بهترین - مخلوق

## برنامه های حوزه

